هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ شانزدهم ۳۰ سرطان ۱۳۸۸ ۱۸ - رجب المرجب ۱۴۳۰ - 011 July 2009



(من) به (ما) کړو عبدالله
تا به ټاکو عبدالله



داکتر عبدالله عبدالله در گفتگو با خبرگزاری صدای افغان:

با انتخاب شفاف و عادلانه موجی برای تغییر ایجاد خواهد شد

فساد اداری در کشور از قدم های بالا شروع شده و در این شکی نیست که در همه سطوح کشور فساد وجود دارد، در واقع فساد اداری به یک قانون تبدیل شده است

❋❋❋

مردم ما به تاثیر رای دهی و نتایج انتخابات باور دارند و برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه را بر آیندهٔ کشور مهم می دانند، لذا جای امیدواری است که ملت افغانستان با احساس مسؤولیت در انتخابات شرکت نمایند و از فرصت ها به نحو احسن استفاده کنند

❋❋❋

از ابزار دولتی و منابع دولتی به نفع رئیس جمهور برحال که به حیث کاندیدای مطرح است استفاده می شود

❋❋❋

تبدیل مبارزه با فساد اداری از شعار به عمل جزء اهداف ما است که در حقیقت تضمین کنندهٔ آیندهٔ یک کشور با ثبات در این زمینه است

ص۳

سفر اوباما به ماسکو

شکی نیست که روسیه از وضع موجود در منطقه نگران است. وضع بی ثبات در پاکستان و گسترش ناامنی ها در افغانستان بسوی شمال این کشور و در امتداد سرحد مشترک با جمهوری های آسیای میانه، ماسکو را نگران ساخته است. بنابراین روسیه هم خواستار آنست تا با امریکا در جهت کاهش خطراتی که آسیای میانه را تهدید می کند همکاری نماید.

ص۲

په هلمند کې د خنجر په نامه روان عملیات او د هغې پایلې



- اخندزاده

د تېرې پنجشنبې (دچنګک بل یوولسمه) له سهار مهال څخه د څلور زرو امریکایي ځواکونو لخوا د هلمند ولایت په یو شمېر ولسوالیو باندې د خنجر په نامه درانه عملیات شروع شوي دي. څو په دغه سیمه کې د یو څه موده راهیسې واکمنو طالبانو جګړې ختمې کړي او په آزادو کړای شوو سیمو کې د دولت اداري واحدونه (ولسوالی) فعالې او په سیمه کې میشتو خلکوته د ولسمشرۍ په اعلان شوو ټاکنو کې د ګډون کولو لپاره د ګډون کولو زمینه برابره شي

دغه عملیات چې په سیمه کې د امریکا د نوي استراتیژۍ د پیل عملي نمونه ده، په کې د څلور زرو سمندري امریکایي پوځونو سربېره د شپږ سوه او پنځوسو افغاني عسکرو په شمول یو شمیر انګلیسي او ډنمارکي پوځیان هم ګډون لري.

د یادونې وړ ده چې په افغانستان باندې د امریکې له یرغل. او په هېواد کې د ایتلاف د قواوو د ځای پرځای کېدو راهیسې په هلمند ولایت کې انګلیسي ځواکونو د دولت له مخالفینو سره جګړه پرمخ بیوله. خو انګلیسي قواوې په دغه سیمه کې د طالبانو د پراخه حضور په مخنیوي او ختمولو کې کامیابې نشوې او د هېواد په جنوبي ولایتونو او په ځانګړې توګه د هلمند په ولایت کې د طالبانو واکمنۍ له یوې ورځې څخه بلې ته پراخېدله چې لامله یې د هلمند د خانشین، ناد علي، ناوې، ګرمسیر و... هم د قندهار په دوو او د غزني او وردګ په ځینو ولسوالیو او سیمو کې د طالب ځواکونو واکمنۍ حاکمه وه چې په دې ترتیب

پاتې په ۷ مخ

عطامحمد نور والی ولایت بلخ:

دست هایی می خواهند امنیت شمال را بر هم بزنند



در پی اقدام وزارت داخله کشور مبنی بر سبک دوشی و برطرفی شماری از مسئولان امنیتی صفحات شمال؛ نگرانی ها نسبت به آیندهٔ امنیت این مناطق افزایش یافته است.

وزارت داخله اخیراً در اقدامی شگفت انگیز، کوشیده است تا شماری از قومندانان امنیه از جمله قومندانهای امنیه ولسوالی های چمتال، شولگر و دولت آباد را از کار برکنار و افراد دیگری را در این پست ها بگمارد.

این در حالی است که به درخواست آقای عطاء محمد نور والی بلخ برای پرهیز از چنین تغییر و تبدیلي ها در آستانه برگزاری انتخابات ترتیب اثر داده نشد و احتمالاً حکومت تلاش دارد با تعیینات جدید موضع رییس جمهور کرزی و تسلط وی بر مناطق مختلف را تحکیم ببخشد.

ادامه در ص۶

بازی با قانون اساسی در کارزار انتخابات

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
موسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تاسیس ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیات تحریر
ادرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچه قصابی، دست چپ، کوچه چهارم
شماره تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۳۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo.com

سرمقاله

هذیان گویی وجدان های مرده

یکی از روزنامه های نقابدار وابسته به دولت که بر جبین خویش نقاب روزنامه ملی و مستقل را آویخته است: در این اواخر نقاب را به کنار زده و به مصداق "کاسه های داغتر ازآش" بیشتر از رسانه های دولتی، در خدمت دولت و رییس آن قرار گرفته است!

این روزنامه در مقاله ها وسرمقاله های خود و هم در اخبار دروغین وساختگی خویش تلاش می کند که وزنه آقای کرزی را در مبارزات انتخاباتی سنگینتر از دیگران وانمود سازد و با کمال اخلاص در راه تعمیل خواسته ها و فرمایش های ولی نعمت خویش، گام بر می دارد. یکبار در ولسی جرگه حین استیضاح وزیراطلاعات وفرهنگ به او گفته شد که به این روزنامه به ظاهر آزاد! ماهانه از بودجهٔ دولت (ملت) پول می پردازد...

گرچه از مدت ها قبل و از آغاز معلوم بود که این روزنامهٔ به ظاهر آزاد و مستقل درخدمت دربار قرار دارد ولی مطالب چاپ شده در هفته اخیر به خوبی نشان داد که حق نمک را ادا می کند و با پخش هذیان گویی ها و دروغ های شاخدار درکمپاین رئیس دولت، جای و مقام خاصی بخود گرفته است!

یکی از این دورغ ها، مطلب و خبر دورغین وجود اختلاف میان استاد ربانی و داکتر عبدالله عبدالله است و این که احتمال داده است که استاد از کرزی حمایت خواهد کرد! همچنین این احتمال دروغیین را نشر کرده که داکترعبدالله عبدالله به سود داکتراشرف غنی احمدزی منصرف خواهد شد! و....

این روزنامه نقابدار که مدعی حمایت از وجدان های بیداراست و از مرگ وجدان ها سخت ناراحت و اندوهبار! فراموش کرده است که مردم هوشیار، آگاه وبیدارما فریب دورغ پراگنی های شیادانهٔ ستون پنجم حکومت در مطبوعات آزاد را نمی خورند و به هذیان گویی های وجدان های مرده اهمیتی قایل نمی شوند.

مردم درانتخابات آینده با کمال هوشیاری و آگاهی به کاندیداهای مورد نظر شان رأی می دهند و فغان و فریاد وهذیان های مخالفان رأی آزاد مردم، چاکران وچاپلوسان دربار و حامیان حکومت فردی، گواه این واقعیت است که روزگار طولانی پادشاهی هشت سالهٔ حکومت فردی تحت نام دموکراسی و جمهوری به پایان رسیده و دوران جمهوری واقعی و مردم سالاری آمدنی است. این دوره با شعار تغییر وامید سرنوشت مردم افغانستان را رقم خواهد زد.



سفر اوباما به ماسکو

وحید مژده

به نظر می رسد که [illegible]

[illegible] مسیر معقول برای قرار دهد.

فدراسیون روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی [illegible] ابرقدرت سابق دیگر [illegible] امریکا روسیه را کشور [illegible]

[illegible] نفوذ درکشور هائی برید که سابقا بعنوان حوزهء نفوذ اتحادشوروی شناخته شده بود.

سیاست های سراپا اشتباه امریکا در دوران بوش موجب شد تا فدراسیون روسیه مجددا توان و قدرت روی پا ایستادن را بیابد و هرچند نه بعنوان یک ابرقدرت لااقل بعنوان یک قدرت مهم منطقوی قد علم کند.

روسیه در تحت رهبری ولادیمیر پوتین توانست خود را از بحران نجات دهد اما فشار های بوش در مواردی موجب شد تا روسها در منطقه، گاهی بسوی مخالفین امریکا ابراز تمایل نمایند. پیمان شانگهای که روسیه از اعضای مهم آن بشمار می رود، تلاشی برای مهار کردن دامنهء نفوذ امریکا تلقی شد و بخصوص در رابطه با برنامه های اتومی ایران و کوریای شمالی موضع فدارسیون روسیه در مواردی در مخالفت با امریکا قرار گرفت. هرچند در مورد ایران طوریکه دیده شد روسها در شورای امنیت گاهی از وضع تحریم ها علیه ایران حمایت کردند اما در مجموع مخالف هرگونه اقدام نظامی علیه ایران باقی ماندند.

پس از بمیان آمدن ادارهء جدید درقصر سفید تحت رهبری اوباما، روسها مشتاقانه در انتظار تغییرات اساسی در سیاست های امریکا بودند و اکنون به نظر می رسد پس از یک دوره روابط پر تنش میان واشنگتن و ماسکو، یخ ها در روابط سرد میان دو کشور در حال آب شدن است.

بوش می خواست تا ناتو بسوی شرق گسترش یابد و سپر موشکی که امریکا پافشاری داشت تا در پولیند و جمهوری چک مستقر سازد از نظر روسیه تهدیدی علیه این کشور بشمار می آمد هرچند امریکا تلاش داشت آنرا یک اقدام پیشگیرانه علیه بلندپروازی های اتومی ایران و کوریای شمالی قلمداد نماید. این مشکل هنوزهم باقیست. گسترش ناتو بسوی شرق برای فدراسیون روسیه بیش از این پذیرفتنی نیست و اقدام ماسکو برای گوشمالی دادن گرجستان که می خواست به [illegible]

[illegible]

روسها دریافته اند که افغانستان نقطهء ضعف امریکاست و احساسات ضد امریکائی در کشورهای همسایهء افغانستان، کار امریکا را مشکل تر خواهد ساخت. روسیه با این اعلام آمادگی که حاضر است به سازوسامان جنگی امریکا و ناتو اجازهء عبور از قلمرو خود را بدهد، چراغ سبزی به امریکا نشان داد. اکنون نوبت امریکاست تا در جواب، آمادگی خود را برای دادن امتیاز نشان دهد.

افغانستان بیافتد. کشورهای آسیای میانه که بیشتر زیر تاثیر و نفوذ روسیه هستند، یکی بعد دیگری عدم تمایل خود را برای فراهم آوردن چنین سهولت از خاک خود شان ابراز داشتند. شکی نیست که در این رابطه اعمال نفوذ روسیه نیز بی تاثیر نبود.

راه دیگری که می توانست به دلیل امن بودن و نزدیک بودن برای ناتو جالب باشد مسیر ایران بود. این مسیر می توانست نیاز های ناتو برای تدارکات لوژستیکی را با هزینهء کمتر تامین نماید اما تنش در روابط میان ایران وغرب بعد از انتخابات در ایران که به انتخاب مجدد احمدی نژاد انجامید این امید امریکا و ناتو را نقش بر آب نمود. اکنون نوبت امریکا بود تا به کشور های آسیای میانه هوشدار دهد که خطر تروریسم از افغانستان برای آنها جدی تر است.

ریچارد هالبروک نمایندهء خاص اوباما برای افغانستان و پاکستان اخیرا هوشدار داد که ناتو نمی تواند از مرزهای آسیای میانه در برابر نفوذ طالبان از افغانستان به آنسوی مرز دفاع نماید. او در حقیقت می خواست به کشور های آسیای میانه بگوید که باید در امر مبارزه علیه آنچه که تروریسم نامیده می شود با امریکا و ناتو همکاری بیشتر نماید که این کار به معنی دفاع از قلمرو خود آن کشورها نیز هست.

[illegible]

تجهیزات نظامی نیروهای امریکا به افغانستان امضاء کردند. امریکا می تواند به غیر از راه زمینی، روزانه طی ۱۲۰۰ پرواز وسایل و اموال مورد نیاز نیروهایش را از راه هوا و از مسیر روسیه به افغانستان بفرستد. توافق نامهء دیگری در مورد مبارزه با تروریسم و مواد مخدر نیز میان اوباما و مدویدوف به امضاء رسید.

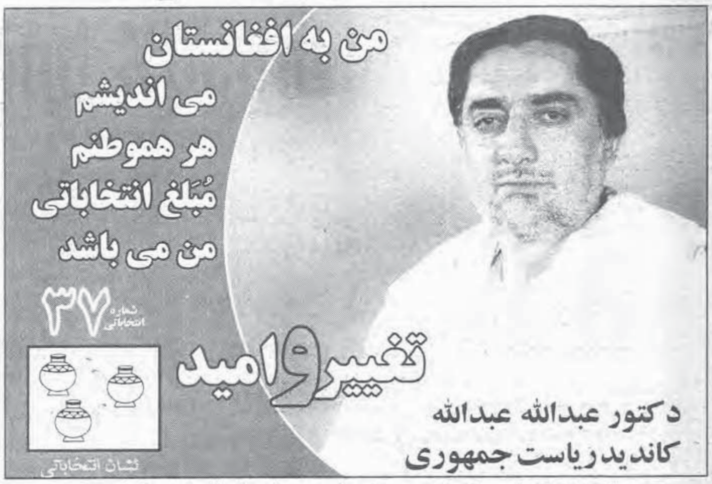
شکی نیست که روسیه از وضع موجود در منطقه نگران است. وضع بی ثبات در پاکستان و گسترش ناامنی ها در افغانستان بسوی شمال این کشور و در امتداد سرحد مشترک با جمهوری های آسیای میانه، ماسکو را نگران ساخته است. بنابراین روسیه هم خواستار آنست تا با امریکا در جهت کاهش خطراتی که آسیای میانه را تهدید می کند همکاری نماید.

سوال اینست که آیا امریکا واقعا از اهدافی که در این منطقه برای کنترول منابع انرژی داشت دست برداشته است ویا اینکه درصدد است تا با روسیه بر سر تقسیم منابع این منطقه به توافق دست یابد؟ تقریبا همان کاری که روزگاری میان امپراتوری تزاری روسیه و امپراتوری استعماری انگلیس برای جلوگیری از برخورد میان شان صورت گرفت و افغانستان دهها سال بعنوان منطقهء عایق میان منافع این دو قدرت باقی ماند.

با حضور نیروهای خارجی در افغانستان، می توان گفت افغانستان دیگر منطقهء عایق بشمار نمی آید اما در اروپا وضع طور دیگری است. اکنون امریکا این منطقهء عایق را از دیوار فاصل میان دو آلمان خیلی نزدیک تر به مرز های فداراسیون روسیه آورده که روسیه آنرا نمی پذیرد. هرچند اوباما پیشنهاد کرد که خاطرات تلخ دوران جنگ سرد به فراموشی سپرده شده و دو کشور در جهت تامین منافع خود با هم همکاری کنند اما هنوز تا رسیدن به این مرحله باید انتظار کشید.

دکتر عبدالله در مصاحبه با خبرگزاری صدای افغان:

با انتخاب شفاف و عادلانه موجی برای تغییر ایجاد خواهد شد



«تغییر و امید» شعاری است که این روزها در شهر و بازار، مطبوعات و رسانه‌ها در کنار تصاویر دکتور عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری و معاونینش به چشم می‌خورد.

بازار گرم انتخابات افغانستان و فرصت دو ماهه‌ی مبارزات انتخاباتی زمینه‌یی را فراهم آورده است تا دیدگاه‌ها و نظریات برخی از کاندیدهای ریاست جمهوری را که تعدادشان به ۴۱ نفر می‌رسد مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

دکتور عبدالله که از او به عنوان رقیب جدی حامد کرزی رئیس جمهور فعلی و کاندید دور بعدی ریاست جمهوری افغانستان نام برده می‌شود در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری صدای افغان(آوا) به بیان دیدگاه ها و محورهای کاری خویش پرداخته است.

دکتور عبدالله ناکامی نظام موجود و ناکارآیی دولت و احساس ضرورت برای تغییر و تحول را دلیل عمده کاندیدا شدن خود می خواند.

دکتور عبدالله، فاصله میان مردم و دولت را عمده ترین مساله بی اعتمادی مردم به نظام می داند و می گوید:

قسمتی از این مشکل مربوط به رهبری نظام فعلی و دیدگاه های وی است و قسمت دیگر آن در نحوه نظام کاملا متمرکز فعلی است که همه قدرت در یک دفتر و یک تیم بسیار مختصر تمرکز یافته است.

دکتور عبدالله بهترین راه حل برای این مشکل، تعدیل قانون اساسی و تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی، انتخابی بودن شهردارها، ولسوال ها و والی ها، تغییر سیستم انتخاباتی از سیستم فردی به مختلط (چندحزبی) ".

به عقیده وی، آرزوی مردم افغانستان یک حکومت پاسخگو به ملت بود که متاسفانه ایجاد نشد. او افزایش ناامنی، عدم برقراری یک نظام مردم سالار، زیر پا گذاشته شدن قانون اساسی افغانستان و بی اعتنایی به تصامیم پارلمان، گسترش فقر و بیکاری و افزایش فساد را از علایم ناکارآمدی حکومت فعلی افغانستان می داند.

این کاندید ریاست جمهوری، توجه به برنامه های اقتصادی، تعریف یک نظام نو اقتصادی مطابق با خواست فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشوررا از اهداف خود در توسعه اقتصادی افغانستان می خواند.

به گفته عبدالله، در ۷ سال گذشته بخش زراعت به عنوان مهمترین بخش اقتصادی کاملاً نادیده گرفته شده است، هر چند در دو سال اخیر کارهایی صورت گرفته و کمک هایی جذب شده است، اما همواره در اقتصاد و اداره کشور نقش مردم تعریف نشده است و جای مردم در انکشاف کشور و برنامه های اقتصادی خالی است.

وی می گوید: داشتن یک اداره سالم، شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی، داشتن برنامه های گسترده در سطح ملی و نقش نیروهای بین المللی در افغانستان، رفتن به سوی خودکفایی و بی نیاز شدن از حضور نیروهای خارجی هدف ما است.

به عقیده دکتور عبدالله تقویت نیروهای ملی مانند پولیس و اردوی ملی و دادن اطمینان به مردم در رسیدن به شکوفایی و خودکفایی اقتصادی، زمینه سازی برای تدابیر امنیتی در منطقه، روابط امنیتی تعریف شده میان افغانستان و سایر کشورها و دادن اطمینان به همسایگان مبنی بر اینکه از خاک افغانستان بر ضد آنها استفاده نمی شود و اطمینان گرفتن از همسایگان که از خاک آنان بر علیه ما استفاده نمی شود، گامی دیگر در برقراری امنیت در کشور و منطقه است.

دکتور عبدالله تصریح می کند: تعریف حضور نیروهای بین المللی در داخل کشور، جلوگیری از تلفات ملکی، تعریف نقش مردم در برقراری امنیت علاوه بر پولیس و اردوی ملی و نقش و حضور شخصیت های ملی در شورای امنیت ملی کشور و تقویت نقش آنان در تصمیم گیری ها مسایلی است که نقش عمده ای در تامین امنیت دارد.

به باور دکتور عبدالله، سیاست خارجی کشور باید دنباله منافع ملی کشور باشد و آنچه که منافع ملی کشور ما ایجاب می کند داشتن روابط خوب با همسایگان و جلب همکاری بین المللی و روابط حسنه با جامعه جهانی و موجودیت یک تعامل دوطرفه بین افغانستان و کشورهای منطقه* و جهان می باشد.

به عقیده وی، مساله دیگری که باید روی آن تامل صورت گیرد مساله بی طرفی افغانستان است یعنی که به بحث ملی کشانیده شود که مردم افغانستان باید آن را مورد تایید قرار دهند، آنچه که منافع ملی کشور ما ایجاب می کند داشتن روابط خوب با همسایگان و جلب همکاری بین المللی و روابط حسنه با جامعه جهانی و موجودیت یک تعامل دوطرفه بین افغانستان و کشورهای منطقه و جهان می باشد."

دکتور عبدالله تاکید می کند: جلوگیری از تقلب وظیفه کلانی است که مسئولیت عمده آن متوجه کمیسیون مستقل انتخابات است، هر چند این کمیسیون در پروسه ثبت نام رای دهندگان تخطی هایی داشته و استقلال آن زیر سئوال است. به عقیده وی، چالش فرا راه برگزاری شفاف انتخابات، عدم استفاده از امکانات دولتی است.

به باور عبدالله، از ابزار دولتی و منابع دولتی به نفع رئیس جمهور برحال که به حیث کاندیدای مطرح است استفاده می شود در حالی که دولت و حکومت باید تابع قانون باشد و قانون را مراعات کند.

وی می گوید: با وجود این دو مشکل، مساله سوم، نقش جامعه جهانی و ناظرین داخلی و بین المللی است که بر خلاف دوره های گذشته، این اعتماد نسبت به آنها وجود دارد که در انتخابات جانبداری نمی کنند.

دکتور عبدالله می گوید: مردم ما به تاثیر رای دهی و نتایج انتخابات باور دارند و برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه را بر آینده کشور مهم می دانند، لذا جای امیدواری است که ملت افغانستان با احساس مسئولیت در انتخابات شرکت نمایند و از فرصت ها به نحو احسن استفاده کنند. اما اینکه در عمل چه می شود محتاج به گذشت زمان است که باید روی آن بحث شود.

به عقیده نامزد ریاست جمهوری افغانستان، فساد اداری در کشور از قدم های بالا شروع شده و در این شکی نیست که در همه سطوح کشور فساد وجود دارد، در واقع فساد اداری به یک قانون تبدیل شده است.

وی راه حل مبارزه با فساد اداری را استفاده از تجربه کشورهایی که در این خصوص موفقیت داشته اند مثل مالزی و سنگاپور می داند که می توانند به افغانستان کمک های زیادی نمایند.

دکتور عبدالله تصریح می کند: تبدیل مبارزه با فساد اداری از شعار به عمل جزء اهداف ما است که در حقیقت تضمین کننده آینده یک کشور با ثبات در این زمینه است. اما با در نظرداشت اینکه فساد اداری روبه گسترش و اوضاع اقتصادی رو به بدتر شدن است، برای هر دولتی که روی کار بیاید چالشی بزرگ خواهد بود.

به باور دکتور عبدالله بخشی از فسادها در توزیع کمک های بین المللی، و تطبیق پروژه هایی است که از سوی آن ها تمویل می شود. اگر یک نهاد مستقل ناظر بر کمک ها و اجرای پروژه های بین المللی در افغانستان ایجاد شود، در مبارزه با فساد اداری و مالی موثر خواهد بود و نکته دیگر اینکه اگر تنها این نهاد در اختیار دولتی واگذار شود که مشکلات خود را تاکنون حل نتوانسته، در حل این معضل مؤثر نخواهد بود.

به باور وی، بحث انکشاف متوازن طرحی است که ما در صدر برنامه های خود قرار داده ایم و در واقع روح برنامه های اقتصادی ما را تشکیل می دهد که مطابق تقاضای قانون اساسی افغانستان است، اما متاسفانه در عمل کاری در این خصوص صورت نگرفته است.

دکتور عبدالله پیروزی را در انتخاب هدف و تعیین درست هدف می داند که در آن شکست وجود ندارد. او تاکید می کند: به رای و نظر مردم اعتماد دارم که انتخاب شایسته ای خواهند داشت که با انتخابات شفاف و عادلانه موجی برای تغییر ایجاد خواهد شد و تحول ایجاد شده یک موج پاینده برای همیشه و نه برای چند روز تبلیغات و انتخابات خواهد بود.

دکتور عبدالله می گوید": من یکی از شما هستم و با شما خواهم بود و شما با رفتن به پای صندوق های رای توطئه بزرگی که گویا نتیجه انتخابات از قبل تعیین شده است را خنثی ساخته و به هر فردی که مورد نظرتان هست رای بدهید، و توقع من این است که من فرد لایق و مورد اعتماد شما باشم."

داکتر عبدالله از زبان خودش



پیوسته به گذشته

چند روز قبل از شهادت آمر صاحب در سفری به افریقای جنوبی رفتم. جلسه ای بود که در مورد نژاد پرستی و تبعیض نژادی از طرف سازمان ملل برگزار شده بود ؛ البته این اولین کنفرانس به این سطح بالا در این مورد بود که من در آن شرکت داشتم، نلسن ماندیلا ریاست این اجلاس را به دوش داشت. از آن کنفرانس فارغ شده به دهلی به دیدن خانواده رفته بودم. قرار بود که نظر به هدایت آمرصاحب، سفری به فرانسه داشته باشم و با رییس پارلمان فرانسه به تاریخ ۱۰ سپتامبر ببینم. رییس پارلمان فرانسه قرار بود که به روم رفته و با شاه سابق افغانستان دیدن نماید.

در دهلی بودم که ابتدا خبر زخمی شدن آمر صاحب و بعد خبر شهادت ایشان برایم رسید. بدون شک این تکان دهنده ترین خبر برایم بود ودشوار ترین لحظه زنده گی ام. ابتدا که خبر جراحت برداشتن ایشان برایم رسید نخستین فکری که به ذهنم خطور کرد این بود که به سرعت باید زمینه انتقال ایشان به یک مرکز مجهز جراحی در خارج از کشور را میسر سازیم؛ اما به زودی خبر به شهادت رسیدن آمرصاحب را گرفتم و با سرعت با شماری از همراهان، عازم افغانستان شدم.

چون پروازهای مستقیم از دهلی به افغانستان نبود ، از دهلی به ازبکستان و از آنجا شام ۱۱ سپتامبر به دوشنبه رسیدم. در حومهٔ شهر دوشنبه، خبر تصادم هواپیماها به مرکز تجارت جهانی در نیویارک را شنیدیم. در ابتدا این حادثه مبهم بود و فکر می شد یک تصادف و یا تصادم است؛ اما بعد معلوم شد که کار سازمان یافته بوده. اولین بار من تصاویر نیویارک را در نماینده گی مقاومت در جوار سفارت افغانستان دردوشنبه دیدم. درحالیکه فکر و هوشم را شهادت آمر صاحب فرا گرفته بود تمام فکرم این بود که این کار- کار القاعده است.

آغاز یک مرحله دیگر:

در همان شب رفتم با زخمی هایی که در حادثه آمر صاحب زخمی شده بودند دیدن نموده و فردایش به افغانستان آمدم و با جناب پروفیسور برهان الدین ربانی، رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان و سایر رهبران مجاهدین که در ولسوالی درقدر ولایت تخار جمع آمده بودند، دیدار کردیم. در آنجا من نظر خودم را گفتم که مساله ۱۱ سپتامبر کار القاعده است و طالبان شاید از این به بعد تحت فشار بیشتر قرار بگیرند.



خلیلی با سخنسازان ایران



دل من با دل سرمد شده پیوند به شعر

عبدالقیوم ملکزاد

مرحـوم صـادق سـرمد کـه از شـعرای معروف ایران محسوب می گشت، رابطه نیکی بـا دانـشوران سرشـناس افغانـستان، منجملـه شادروان استاد خلیل الله خلیلی داشت که خود استاد نیز در سروده یی تحت عنوان "از خلیلی به سرمد" اینگونه نگاشته است:

"مرحـوم سـرمد از دوسـتان افغانـستان بودنـد، قـصیده کعبهٔ دل هـا را- کـه در تجلیـل احتـرام از مولینـا جـلال الـدین بلخـی بـود- و قـصیدهٔ جرگـه شیران را- کـه اشـارتی بـه اهـالی پشتونـستان بـود- توسـط جنـاب گویـا بـه شـاعر (استاد خلیلی) فرستاده بودنـد. وی ایـن قطعـه را به جناب سرمد فرستاد:"

خرم آن باغ که این سنبل بویا دارد
فرخ آن بحر که این گوهر والا دارد
ای خوش آن دولت سرمد که چو صبح صادق
فیض های دگر از عالم بالا دارد
فری آن طبع که این نغزگهرها پرورد
زهی آن خامه که این نوع سخن ها دارد
مرحبا شاعر دانا دل ایران سرمد
که سخن های خوش و دلکش و شیوا دارد
خاصه شعری که در آن سوزنی مولینا
جرس قافلهٔ کعبه دل ها دارد
چامهٔ جرگه شیران دل من پرخون کرد
آه از آن شیر که صد سلسله بر پا دارد
دل من با دل سرمد شده پیوند به شعر
سر این رشته به کف سرور گویا دارد

هنگـامی کـه اسـتاد خلیـل الله خلیلـی بـه کشور همسایه: (ایـران) سـفر مـی کنـد، شـاد روان صـادق سـرمد چکامـه زیبـایی بـه وصـف شـاعر نامـدار کـشورما انـشاد و بـه ایـشان پیـشکش مـی نماید.

چنانچه قـبلاً متـذکر گردیـده بـودیم، تقلیـد و نظیـره گـویی رسـمی بـوده کـه از سـخنوران پیشین تقلیـد گردیـده اسـت و ایـن سـنت معمـولاً به دو صورت در اشعار جلوه داشته است:

اول: گــزینش شــیوه و ســبک اســتادان پیشین.

دوم: پاســخگویی ســروده هــای مــشهور پیشنیان، غالباً بر همان وزن و قافیه.

از شـعرای ادوار گذشـته، بیـشتر از همـه سبک و شیوهٔ کـار انـوری، ظهیـر فاریـابی، کمـال الدین اصفهانی و خاقانی پیروی می گردید.

با این تذکر بایـد یـاد آور گردیـد کـه اسـتاد خلیلی و همدلان سخن پـرداز او کوشیده انـد تـا به احیـای ایـن سـنت و یـا پیـروی از نقـش قـدم آنان بپردازنـد کـه یکـی از آن سـروده هـا، مکاتبـهٔ منظـوم سخنـسرای نامـدار افغانـستان و ارائـهٔ جـواب بـا همـان وزن و قافیـه بـه وسیلهٔ صـادق سرمد تهرانی است.

بـدین معنـی کـه سخنـسرای نامـدار ایـران چکامهٔ خـود را در قالـب همـان وزن و قافیـه یـی انشاد داشـته اسـت کـه اسـتاد خلیلـی پـیش از آن به وصف سـرمد در همـان•قالـب سـروده و بـه آن گسیل داشته بود.

نامـه دوسـتانه وقتـی کـه در قالـب شـعر آفریده آیـد، نـسبت بـه نامـه هـای منثـور، شـور و کیف دیگـری بـه دلهـا مـی افکنـد. مـصداق ایـن سخن در سروده های خلیلـی و سـرمد بـه وضـوح پدیدار است.

وقتی که شـاعر ایـران بـه استقبال سـخنور دیـار همـسایه ـ کـه قبـل از آن توفیـق دیـدار بـا همدیگر شان رفیق نشده ـ می سرید که:

آمد آن دوست که در دیدهٔ من جا دارد
شدم او را به تماشا که تماشا دارد
بیشتر زان که به ظاهر نگرم صورت او
خوانده بودم که چه از سیرت و معنا دارد

اینگونـه جمـلات و اظهـار لطـف و محبـت، نه تنها به قلـب مخاطـب شـور و هیجـان و آتـشی از مهـر مـی افـروزد، بلکـه خواننـده نیـز از آن سخت کیـف و لـذت مـی بـرد. بـدون تردیـد ایـن جاذبه را به ندرت می توان در نثر پیدا کرد.

چنـین آفـرینش و تبادلـهٔ مهـر و صـمیمیت و پیوندگستری را فقـط مـی تـوان از سـفرای مهـر ـ کـه شاعرانـد نیوشـید. شـاعرانی کـه بـه گفتـهٔ "صـادق سـرمد" علـی الـرغم جـدایی طلبـان، یعنی آنانی که فقـط از عینـک سیاسـت بـه قـضایا مـی نگرنـد، در صـدد ایجـاد رابطـه و مناسـبات ناگسستنی و روابط دایمی هستند:

سـرمد در مـورد حـسن نیـت اسـتاد خلیلـی مبنـی بـر گـسترش روابـط دوسـتی و بـرادری خـصوصاً بـا کـشورهای اسلامی از جملـه ایـران، اینگونه یاد آور می شود:

خوانده بودم که علی الرغم جدایی طلبان
آشناییست که صد رابطه با ما دارد
خوانده بودم که به دنیای نو از عهد کهن
تازه و کهنه به تفصیل خبرها دارد
خوانده بودم که خلیل است و چو گلزار خلیل
ز آتش طبع، هزاران گل بویا دارد
خوانده بودم که مرا با سخنی چند نواخت
کانچه گویم به ثنای سخنش جا دارد
خوانده بودم که هم از کعبهٔ دلها دریافت
سوز آن ناله که ساز نی ملا دارد
خوانده بودم که هم از جرگهٔ شیران برخواند
نقش آن شیر که صد سلسله برپا دارد

سـرمد پـس از ایـن کـه اسـتاد سـخن (خلیلـی) و بـه قـول او، آگهـی سـرمایه یـی کـه سـوز نالـهٔ مولانـا در دلـش انباشـته بـود، و...، وارد ایـران گردیـد، دریافـت کـه بـه حـق او شـاعری اسـت شـیرین سـخن و دارای منطقـی گویـا و برخوردار از طبع توانا. به ادامهٔ شعر می خوانیم:

شکر صد شکر که باز آمد و دریافتمش
که چه شیرین سخن و منطق گویا دارد
شاعر البته زیاد است که در نظم سخن
قافیه سنجد و پندارد، معنا دارد
یا چو نقاش و چو عکاس و چو حکاک بلید
کوپیه سازد و الفاظ به جا وا دارد

آری بـه مـصداق گفتـهٔ "سـرمد" بـسیارند آنهـایی کـه خـود را در جایگـه شـاعرانی بـزرگ قـرار مـی دهنـد، امـا کـلام شـان تهـی از زیبـایی اسـت، و عـاری از شـور و جذبـه و...، ولـو کـه صـاحب مجموعـه هـایی مـی باشـد و دیـوان بزرگ!

ولی استاد خلیلـی از ایـن جمـع فـضل فـروش و مغرور کاملاً مستثنی است و به تعبیر سرمد:

لیکن استاد هنرمند از آن جمله جداست
که به ابداع سخن طبع توانا دارد

و شـاعر ایرانـی مناسـب نمـی دانـد، گـوهر سـخن و دُرّ گرانبهـای توصـیف را جـز دریـای او بریزد. چنانچه گوید:

این سخن هدیه به استاد خلیلی کردم
که کس از دوست نه جز دوست تمنا دارد

بـرای سـرمد چـه افتخـاری بزرگتـر از ایـن که صدای پای چنین آشنایی به گوشش برسد. وقتی کـه در را بکـشید، بنگـرد کـه همـصدای او را از ره رسـیده اسـت. آنگـاه او چـون غنچـه شـگفتن بیاغـازد و بربخـت خـود ببالـد کـه بـرای جان علیلش طبیـب خـوش دوا، فـراز آمـده، یعنـی مهمـان عزیـزی آمـده، نـه مهمـان، بـل صـاحب سـرای مهـر ورزی کـه سـزاوار هرگونـه ثناسـت. دویـی از میـان آنـان رخـت بربـسته چـون: **میـان شان دویی نبود، منی نبود، تویی نبود.**

چنین چون شد نگوید کس چرا رفت و چرا آمد

بـه مطلـع بـر مـی گـردیم. آهنـگ خـوب آمدن را می نیوشـیم و نغمـهٔ خـوش خیـر مقـدم را در قالـب سـرودی کـه دلنـواز اسـت و هیجـان انگیـز، گـوش مـی سـپاریم هیجـان انگیـز بـه خاطر آنکه:

اگـر شـما هـم در انتظـار آمـدن عزیـزی عمـری به سر بـرده باشـید وقتـی ناگهـانی منـزل تـان را دق البـاب کنـد، مـشکل اسـت. برقامـت سـروری کـه آنگـاه برایتـان دسـت مـی دهـد، تعریفـی بتراشـید. "سـرمد" هـم در آرزوی حـضور چنـین یک عزیزی بـود. عزیـزی کـه سـال هـا وصـفش را خوانده بود و دل در گردش نهاده بود.

چو بر در زد، صدای در به گوشم آشنا آمد
چو در وا شد، نگه کردم، که یار همصدا آمد
چو روی باز او دیدم، چو گل خندید و خندیدم
به بخت خویش بالیدم، چه شد سر وقت ما آمد
چو باز آمد خلیل من، دلالش شد دلیل من
که بر جان علیل من، طبیب خوش دوا آمد
دعا بر حضرتش گفتم، ثنا برمقدمش خواندم
که حسن بی زوال او، سزاوار ثنا آمد
اگر چه گشت مهمانم، منش مهمان نمی دانم
من او را میزبان خوانم، که خود صاحب سرا آمد
به یمن بزم فرهنگی، به قانون هماهنگی
بزن مطرب به یکرنگی، که یار خوش نوا آمد

این شعر با دعایی اینگونه پایان می پذیرد:

درود سرمد ارزانی، به ایرانی و افغانی
که افغانی وایرانی دو دست یکصدا آمد

ایـن بحـث را- کـه مکاتبـه منظـومی بـود بین استاد خلیلی وصـادق سـرمد- بـا نقـل مرثیـهٔ کوتـاهی از اسـتاد خلیلـی بـه پایـان مـی بـریم. مرثیـه یـی کـه درمـرگ شـاعر مهرجـوی ایرانی(سرمد) گفتـه شـده کـه در سـال ۱۳۳۹ بـه اثر بیماری سرطان چهره در نقاب خاک کشید:

گریه برياد يار بايد كرد
كار ابربهار بايد كرد
دل زارم به ياد سرمدسوخت
نالهٔ زار زار بايد كرد

لالهٔ داغدارخونین را
برمزارش نثار باید کرد
محرم دل طواف راز نهان
به کجا آشکار باید کرد
اشک هر روزشعر باید ساخت
گله از روزگار باید کرد

روان شان شاد ویادشان گرامی باد.

حمایت می کنیم

سیدعماد الدین سروش

از جنـــاب دکترعبــدالله حمایــت میکنــیم	**ماحمایت زین جوان بـا دیانـت مـی کنـیم**
دسته دسته می رویم تا پای صندوق های به شوق	**با چنین اقدام، فتحش را ضمانت مـی کنـیم**
رأی خود را بهراین مرد خدا جـو مـی دهـیم	**همرهش یکجا به خلق ودین خدمت می کنیم**
مستحق ترنیـست از وی کـس بـرای انتخـاب	**بهررفتن جانب وی جمله دعـوت مـی کنـیم**
قصه های رزم و پیکار وجهادش یـک بـه یـک	**از برای مـردم مـیهن حکایـت مـی کنـیم**
بـا تمـام نیـرو واحـساس، هـر شـام وسـحر	**وصف این مرد مجاهد، بی نهایت مـی کنـیم**
راه او بـر مـی گـزینیم، ایـستاده در صـفش	**پاک، دامان وطن از هرکثافـت مـی کنـیم**
بعد ازاین بـا انتخـاب وی بـه عنـوان زعـیم	**قلب ووجدان را همیشه شاد و راحت می کنیم**
تـا شـود کوتـاه، دسـتان تقلـب پیـشه گـان	**هرچه صندوق است از آراء، نظارت می کنیم**
رأی مـا امـروز مـی باشـد امانـت نـزد مـا	**شرم بادا، گرخیانت بـا امانـت مـی کنـیم**
مردم مـا خـسته گـشته از فـساد ایـن نظـام	**ما چلیپا بـر سـر خـط خیانـت مـی کنـیم**
آنکه ناکامیش مـی باشـد عیـان تـر زآفتـاب	**ما ز رفتن سوی او احساس خجلت می کنیم**
هست عبدالله نمـادی از صـداقت ای سـروش	**آرمان او زجـان و دل حفاظـت مـی کنـیم**

از جنـــاب دکتـــر عبــدالله حمایـــت میکنـــیم
مـا حمایـت زیـن عزیـز بـا دیانـت مـی کنـیم

بازی با قانون اساسی در کارزار انتخابات

احمدفواد

بدون شک تلقین چنین درسی به مجموعه انسانی در سطح یک ملت، آن هم از طریق نهادهای که عهده دار تطبیق قانون وحراست از آن، جز این که صداقت ملی و تعهد قانونباوری ما را مورد سوال قرار دهد، چیز دیگری را به نمایش نخواد گذاشت.

دراین روزها که کارزارانتخابات ریاست جمهوری از روزی تا روز دیگر گرم تر شده و هرکاندیدی برای بدست آوردن مطلب خویش (عروس قدرت) دلبری می کند، آقای کرزی بحیث یکی از نامزدان ریاست جمهوری از هروسیله مشروع وغیرمشروع استفاده کرده و طرفداران و حواریون او چنان لجام گسیخته و مطلق العنان به پیش می روند که گویی در قاموس آنان اصلا اصطلاح حریم چه قانونی و چه شرعی، وجود ندارد.

و آقای کرزی و حواریون او با این اعمال و کارکردهای قانونگریزانه و هنجارشکنانه خویش گویی دارند به مردم پاگذاری برسر قانون وحریم قانونی را تلقین نمایند. اگرچنین نیست این ماده قانون اساسی که می گوید" کسی حق ندارد بخاطر منافع شخصی از امکانات دولتی، استفاده کند، در صورتی که استفاده کند مجرم پنداشته شده و تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد" چرا مورد تطبیق قرار نمی گیرد؟

در روشنایی این ماده قانون اساسی باید نگاهی انداخت به کارکردهای آقای کرزی و طرفداران اودر سطح کابینه، والیان و سازمان های امنیتی و پولیس و پارلمان و تعیین و تقرر کارمندان جدید درارگان های دولتی که دربرخی ولایات با واکنش ها مواجه شدند.

گزارش های بدست آمده از ولایات جنوب وشرق و شمالشرق و غرب و... خود مبین آن است که چگونه استفاده های سوء در این راستا به نفع کاندیدای مشخص صورت می پذیرد.

افزون بر آنچه از مشاهدات عینی در پیوند به چنین استفاده های سو از مقام های دولتی در اختیار رسانه ها قرار گرفته، تازه ترین مطلب در این راستا همانا نتایج بررسی های بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه است که استفاده از امکانات دولتی و عدم مراعات اصل بی طرفی از طرف مسوولان تاکید می ورزد و تلمیحا آقای کرزی و تیم کاری او را در سطح نهادهای دولتی نشانه گرفته است.

موضوع شگفت زای دیگری که دراین راستا در اوائل هفته قبل ازطرف کمیسیون مستقل انتخابات عنوان گردیده و فهم قانونی خویش را به نمایش گذاشت، همانا تفسیرماده یک صدو پنجاه ودوم قانون اساسی به نفع کرزی بود آنجا که میگوید: "رئیس جمهور معاونین رئیس جمهور، وزراء و روسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوی سارنوالی و قضات نمی توانند در مدت وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند"

کمیسیون مستقل انتخابات با این استناد قانونی خویش وتفسیر غیر موجهی که ازماده فوق در قانون اساسی ارائه کرده است دومطلب را به نمایش گذاشته است که ذیلا به آن ها اشاره می شود:

۱- فهم قانونی و سطح دانش حقوقی کمیسیون مستقل انتخابات

۲- تلاش برای محدودسازی زمینه های تبلیغاتی حریفان انتخاباتی آقای کرزی که این عمل در ذات خود استقلالیت کمیته انتخاباتی را در زیر سوال می برد.

درارتباط به سطح فهم و دانش حقوقی کمیسیون مستقل انتخابات همین قدر باید تذکرداد که هرعملی چه "حقوقی" و چه سیاست و.... اصطلاحات به خصوص خود را دارند که شاگردان این علوم باید در مرحله نخست خویش را به اصطلاح رایج در این دانش ها آشنا سازند.

درغیرآن دانش های متذکره مصداقیت خود را از دست خواهند داد. کلمات و یا واژه های "شغل"، "مشاغل" و مشغولیت در قوامیس اصطلاحات اداری و حقوقی مفاهیم ویژه یی را افاده می کنند که با معنی های لغوی آن ها هرگز تطابق ندارد.

کمیسیون مستقل انتخابات با استفاده از معانی لغوی کلمات به کار رفته در این ماده قانون اساسی، فعالیت های سیاسی آن عده از اعضای شورای ملی را نشانه گرفته است که می خواهند به نفع کاندیدان مورد علاقه خویش در کارزار انتخاباتی جاری سهم بگیرند.

حال آنکه هر شخص که با الفبای علوم حقوقی و اداره آشنایی دارد و می داند که کلمه "مشاغل" در این ماده قانون اساسی چه معنیی را افاده می کند.

آخرین نکته را که می سزد در این راستا به آن اشاره کرد این است که آغاز و ادامه چنین بازی های قانونگریزانه و هنجارشکنانه در کشوری چون افغانستان که در درازی تاریخ سیاسی خود شاهد تفسیر و تاویل قانون و حتی آموزه های اسلامی به نفع مراکز قدرت بوده است، به ملت ما به ویژه نسل جدید این سرزمل الهامبخش این مطلب خواهد بود که پایبندی به هنجارهای قانونی واحترام به قانون اساسی به حیث یک وثیقه معتبر ملی ر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و .... در محراق توجه قرار دارد ک در تصادم با منافع شخصی، گروهی، قومی و... واقع نشود در غیرآن آنچه تقدس دارد همانا تحقق هدف و مطلبی است که به سود ما باشد.

بدون شک تلقین چنین درسی به مجموعه انسانی در سطح یک ملت، آن هم از طریق نهادهای که عهده دار تطبیق قانون وحراست از آن، جز این که صداقت ملی و تعهد قانونباوری ما را مورد سوال قرار دهد، چیز دیگری را به نمایش نخواهد گذاشت.

آیا با چنین کاری درپیوند به تفسیر مواد قانون اساسی، می توان آینده را برای این ملت به ستوه آمده از بی عدالتی، برتری جویی ها، ترسیم کرده بحران اعتماد فروکش کرده و به سوی امن و آرامش حرکت کند که در آن به یقین چنین مسوولیتی بدوش همه آحاد این ملت قرار داشته ولی بار مسوولیت اشخاص ونهادهای که به حکم قانون اساسی مسوولیت نظارت از تطبیق قانون اساسی و حراست از آن را دارند، نسبت به همه بیشترو گرانتر است

عوامل عمدهٔ حمایت از داکتر عبدالله چیست؟

کابلی والا



بدون تردید ، داکترعبدالله عبدالله از نامزدان مطرح و نخستین رقیب قدرتمند "حامد کرزی" در کارزار انتخابات ریاست جمهوری است که در این روزها از حمایت های کلان و گستردهٔ مردم در سراسر کشور برخورداراست.

مهمترین عوامل حمایت های مردمی و روزافزون داکتر عبدالله را میتوان در سه زاویه تحلیل و ارزیابی کرد :

۱- حمایت گسترده ی جبهه ی ملی به رهبری " پروفیسور برهان الدین ربانی "

۲- بیزاری مردم از حکومت کرزی

۳- حمایت استاد عطا در شمال ازداکترعبدالله

۱- حمایت گسترده ی جبهه ی ملی به رهبری "پروفیسور برهان الدین ربانی" :

جبهه ی ملی در جریان رأی زنی های فراوان ، پس از ماه ها بحث و تبادل نظر ، سرانجام به این فیصله رسید تا پس از معرفی داکتر عبدالله به حیث نامزد انتخابات ریاست جمهوری ، حمایتش را از وی اعلام نماید.

نقش اعضای وابسته به جبهه ی ملی به رهبری پروفیسور برهان الدین در گزینش "داکتر عبدالله" عامل نخست در فراهم آوری زمینه های حمایت مردمی از وی دانسته می شود.نا گفته نباید گذاشت که افزون بر حمایت احزاب و نهادهای داخل جبهه ی ملی ، تأثیر برجسته ی پروفیسور ربانی با توجه به درک وضعیت سیاسی و گزینش داکتر عبدالله بر بنیاد ضرورت های زمانی و اقتضای سیاسی ، مسألهٔ مهمی برای حمایت گسترده از عبدالله عبدالله پنداشته می شود.

حضور جمعیت اسلامی افغانستان و اعضای بر جسته ی آن در کنار سایر احزاب و سازمان های جهادی با توجه به پیشینه ی داکتر عبدالله در دورهٔ جهاد و مقاومت ، نیزدارای اهمیت قابل ملاحظه ای به منظور جلب حمایت های مردمی از این نامزد است که بی تردید ،توافق جمعی اکثریت مجاهدین را در گزینش وحمایت از داکتر عبدالله میرساند.

۲- بی زاری مردم از حکومت کرزی :

عامل دوم در شکل گیری حمایت های گستردهٔ مردمی از" داکتر عبدالله" در دورهٔ کارزار انتخابات ریاست جمهوری ، بیزاری مردم از نحوهٔ عملکرد حکومت کرزی دانسته میشود ؛ زیرا حامد کرزی با توجه به ضعف مدیریتی که دارد، نتواست تغیر مثبتی را در زندگی مردم به وجود آورد . نه امنیت فراهم شد و نه درشیوهٔ حیات اقتصادی مردم تغییری رونما گردید.

افزون بر ضعف حاکمیت کرزی در زمینهٔ مهار فساد و مواد مخدر ، کشته شدن افراد ملکی از اثر بمباران نیروهای خارجی در مناطق مختلف کشور و سیاست منفعل کرزی در امر جلوگیری از کشتار بی گناهان ، سبب شد که مردم از حکومت کرزی مأیوس . دلزده و بیزار شوند ، و درست همین بیزاری و ترس مردم ازدوباره بر سر قدرت آمدن کرزی، عاملی شد برای حمایت های گستردهٔ مردمی از " داکتر عبدالله " .

۳- حمایت " استاد عطامحمدنور " در شمال از داکترعبدالله:

با توجه به پیشینهٔ رویدادهای سیاسی در کشور، تصمیم گیری های حوزهٔ شمال کشور در شکل دهی و سمت دهی رویدادهای سرنوشت ساز در افغانستان ، بسیار مهم پنداشته می شود : از این رو حمایت گستردهٔ " سترجنرال استاد عطا محمد نور" والی بلخ و از فرماندهان مشهور دورهٔ جهاد و مقاومت از" داکتر عبدالله " ، عامل مهم دیگر برای جلب حمایت های مردمی از داکتر عبدالله است .

" استاد عطا محمد نور " با آن که از لحاظ ابهت و قدرت ،از چهره های مطرح است و اکنون نیز پست والی این ولایت را بر عهده دارد، با قبول احتمال ده ها ریسک فردی ، با شهامت تمام و بدون توجه به اخطارهای مستقیم و غیر مستقیم مخالفان و رقبای داکتر عبدالله ، از وی حمایت کرد ومنفعت مردمی رابر منفعت فردی اش ترجیح داد.

اکنون حمایت های دسته جمعی افراد متعلق به " استاد عطا " هر روز به گونهٔ مردمی و به شکل گسترده جریان دارد و مردم دسته دسته و گروه گروه به تأسی از حمایت "عطا محمد نور "، حمایت هایشان را نامزدی داکتر عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری ابرازمی نمایند.

در یک ارزیابی کلی می توان گفت همین عوامل سه گانه سبب شده که مردم با گذشت هر روز حمایت های بیشتر شان را از داکتر عبدالله ابراز نمایند،و درست همین نقطه ،سبب دلواپسی ، پریشانی و اضطراب برای حامد کرزی شده است

د اولس غوښتنه:

بدلون! بدلون! بدلون!

فدا محمد فایض



اولسمشرۍ ته د کندیدانو د کمپاین بهیر روان دی. هر کاندید خپل سره وشنه او رنګه عکسونه چاپ کړي دي، دیوالونه، ونې، لوحې او... ټول په عکسونو ډک دي. کله نا کله دلته او هلته نمایشي غونډې هم کیږي او دیوه او بل کاندید ملاتړ اعلانوي: خو حقیقت دا دی چې په عامه کچه خلک دې انتخاباتو ته د شک او کرکې په سترګه ګوري: څکه هغه د پښتو اصطلاح په مصداق چې: "سبا ناری یې ګوره غرمې ته پاتې کیږه" خلک د موجود انارشیزم او اداري فساد نه دومره تنګ شوي چې د تېښتې لاره یې ورکه کړې ده، څکه نور نو خلکو ته څه پاتې دي، ووژل شول. بې ګناه او بې خطا زندانونو ته واچول شول، د خلکو پر... تیري وشول، د شرابو او کبابو مستامستۍ روانې دي د اروابناد استاد الفت په وینا یو د وینې له فشاره چوي او بل له کمخونۍ نه مري، که قضي او څارنوال ته دې کار پېښ شو، بیا خو دې نو خدای مل شه. که د پولیسو په ګوتو ورغلې نو هم په کور کې به دې زړه برستن هم پاتې نه شي، ورک رتیا، بې کوري، غریبی او افلاس خو شر قتمند نه حالات دي: نو په دغسې حالاتو کې اولس نور د چا په غوږو، درواغجنو وعدو باورنه شي کولای: څکه دی اولس ته دومره دروغ وویل شول او دومره درواغجن جنتونه ورته وخلول شول چې نور یې د اوریدلو حوصله هم نلري

اوس چې په قانوني بڼه د پاچا ګردشي شپې ورځې راغلې دي. نو خلک یوازې یو څه غواړي او هغه بدلون دی: البته مثبت بدلون خو دا بدلون څانته لارې غواړي او تر ټولو د مخه د یوه مثبت بدلون د راوستلو غوځ او پریکون د تصمیم غواړي: دا اوس خو چې کاندیدان په غونډو کې هره ببو لاله غږ وي. هغه یې خپله خوښه خو پر دې باید سر ونه خلاص کړي چې که هر یو واک ته رسیږي چې پر دې پوه وي چې خنک بدلون غواړي: بدلون، بدلون و بدلون

وبه هم چې ډیری پریوه څ ی ودریږي، نو څو ساشي، که دا حالات همداسې په تپه ولاړ وي، نو بې له شکه چې همدا اوس یې داسې بوی کړی دی چې اولس یې تر پوزې راوستی دی او که همداسې دوام وکړ نو بې له شکه چې نور به د انفجار پر پوله ودریږي: نو څکه اوسنی ټول مطرح او د حساب وړ کندیدان باید دا په پام کې ونیسی چې څوک هم انتخابات وګټي ورته په کار ده چې تر ټولو د مخه حالات د یوه مثبت بدلون خواته بیول یې په پام کې دي: څکه د څو کلونو راهیسې اولس د یوه مثبت بدلون په تمه د اوسپنې نینې وچیچلې: خو دا بدلون راوستل یو فولادی عزم غواړي او د بې څیه مصلحتونو مزي شلول غواړي

له یوه بل څه نه چې اولس ډېر تنګ شوی، هغه "درواغ" دی چې دا دومره موده یې بیا بیا اوري. اولس ته د یوه هوسا ژوند وعدې ورکول کیږي خو له هوس یې نه د عنقا مرغه جوړ دي چې د عبدالرحمن بابا په وینا "عنقا نه نښلي په دام کې دهیچ"

د حالاتو رینښتینی تصویر د اولس له نظره پټ ساتل کیږي: خو اولس پر دې پوه دی چې درواغ ورته ویل کیږي: زموږ واکمنان کله هم دا نه وایي چې زموږ د ملی واکمنۍ او سیاسي خپلواکۍ په مخ کې د استفهام علامې اېښودل شوي دي چیرې ده ملي واکمني او چیرې دی سیاسي استقلال. په یوه هیواد کې څو حکومتونه دي:

د بهرنیانو حکومت
د طالبانو حکومت
د مافیا حکومت

هغه حکومت چې زېره یې خپله. واک یې د بل. نه له چا نه د خپل مرۍ پوښتنه کولای شي. نه د ژوندي

که چیرې پټیل شوې وې چې همدا او یا تر دې بد حالات به تکراریږي څومره به ښه وای چې پر انتخاباتو لګیدونکي پیسې یا د پوهنې وزارت ته ورکړای شوې وای چې د پوهنې پرچه رویې لګولی وای. یا یې د بیکارۍ د نا روغتیا څه درملنه پرې کړې وای او یا یې پرکوم بل مؤثر کار لګولې وای: د علامه استاد رشاد مرحوم د شعر په مصداق چې:

حریت د هر ملت د بدن زړه دی
چې دا نه وي هم ملت مري هم بقا مري

ترکومه چې زموږ د سیاسي، اقتصادي، فرهنګي، نظامي او... چارو واګې د بل په لاس کې وي او ترکومه مو چې وزیران له بهره مقرریږي او ترکومه مو چې والي ته په یوه رښتیا ویلو سره بستره ورپه شاکیږي او ترکومه چې دلته د بیان د آزادۍ تر غوښونکي شعار لاندې پرخلکو ګونګې روږې نیول کیږي. نو څنګه کیدای شي چې د یوه مثبت بدلون تمه وکړای شو دا چې د یوه کیلو "اپیم" قاچاق کوونکي د زندان سختی ګالي او د سوونو کیلو هیروئینو قاچاقچیان چې د غلا له پنډ سره نیول شوي وي د جلالتماب تو یه یوه فرمان پرېښودل کیږي، نو دلته به څوړې سوله راشي، څوړې به عدالت تامین شي

خواب های آشفته به جای برنامه ...

بحث وگفتگو می باشد. چسپیدن موصوف به گذشته های این حاکمیت می باشد، و گذشته را دست آورد بزرگ برای خود می داند وکمتر حاضراست تا برای آینده سخن بگوید وبرای آینده فقط با دادن شعار کفایت می کند و مردم را به خیر وصلاح و از این قبیل واژه های مجرد و انتزاعی مورد خطاب قرار میدهد، یعنی آنچه را که درگذشته انجام داده است می خواهد درصورت پیروزی آن را دوباره انجام می دهد. او از دست آوردهای ناچیزی که به بهای بیشتر از ۳۰ میلیارد دالر درکشور به کمک عمدتاً نهادهای غیردولتی به وجود آمده است، به عنوان دست آورد به رخ مردم می کشد و چنین وانمود می نماید که اگروی نمی بود، درکشور چنین کارهای ولو کوچک به وجود نمی آمد.

درحالی که حق مردم افغانستان بود، که نظر به همایش بن و توجه جامعه جهانی به این کشور مردم افغانستان شاهد دست آورد های بزرگتر ازاین ، می بودند. امروزدرسخنان برخی از نامزدان مطرح درافغانستان، طرح هایی به آینده وجود دارد، زیرا مردم افغانستان همانطوری که به گذشته خود افتخار می کنند به مثابهٔ جز جامعه جهانی به آینده خود امیدوار می باشند و می خواهند در آیند درصلح و ثبات زندگی کنند و بخشی از فعالیت های امروزی ما را در فردا تشکیل می دهد و می توانیم نتیجه آن را فردا به دست بیاوریم. فقط از گذشته سخن گفتن و خود را محور قراردادن برنامه های کاری و دقیق یک نامزدنیست.

مردم حق دارند درشعارها و اشتهارات تبلیغاتی آن ها تصویر روشنی از آینده را درک کنند، زیرا بسیاری از مردم و مخاطبان به برنامه های کاری آینده این نامزدان چشم دوخته اند. نه به مدینهٔ فاضله یی که آقای کرزی درظرف بیشتر از هفت سال برای مردم به ارمغان آورده است.

هرچند درگذشته ها کارهای درست وحسابی صورت گرفته باشد، نمی توان کل این افتخارات را به گذشته احاطه کرد و آینده را قربان گذشته ها ساخت. از این سخنان معلوم می شود که آقای کرزی کمترین برنامه برای آینده دارد، و می خواهد کارهای نا تمام خویش را در آینده تکمیل نماید و آینده اش مثل گذشته خواهد بود، یکی از دلایلی که کرزی نمی تواند دریک مناظره رسانه یی با حریفان سرسخت خویش اشتراک ورزد شایدنبود برنامه های دقیق کاری آینده و ترس از ناکامی های گذشته اش باشد که به درستی نتوان به پاسخ آن ها بپردازد، کارشناسان به این باورند که نبود شفافیت، برنامه سالم و طرح های افغانستان شمول وی را واداشته است که فقط از گذشته سخن گوید و برای آینده فقط شعار دهد وبس.

امروز چند جاده استفالت شده به سرمایه شخصی بازرگانان افغانستانی، درکابل و برخی از ولایات نمی تواند دست آورد برای آقای کرزی قلمداد شود.

به قول اکثر کارشناسان سیاسی، نگاه آقای کرزی نگاهی است به گذشته، زیرا وی برای خود نه گذشته خوب گذاشته و نه برای آینده می اندیشد. از جانب دیگر بسیاری ازدست آوردهایی که آقای کرزی برای خود، به نمایش می گذارد و محصول حکومت وی نیست و به دولت وی پیوندی ندارد، زیرا بسیاری از این دست آوردها را نهادهای غیردولتی افغانستان انجام داده اند درحالی که وظیفه اصلی حکومت کرزی در ظرف هشت سال ایجاد امنیت، استقرار و گسترش عدالت اجتماعی و ایجاد شرایط سالم اشتغال زایی و بازگشت سرمایه های تاجران کشور به داخل این کشور می بود که دولت هرگز به این اهداف شریفانه که همایش بن در سال ۲۰۰۱ م دربرابر حکومت قرارداده بود، موفق نگردیده است. این چگونه دست آوردخواهد بود که امروز مخالفان دولت نه تنها در دروازه های شهرکابل، بلکه درب هر خانواده را در ولسوالی ها و ولایات می کوبند.

دست های می خواهند که امنیت شمال را ...

نسبت به برطرفی قومندان امنیهٔ ولایت بلخ و مدیر عمومی ترافیک این شهر مجدداً اقدام کرد که با واکنش منفی و مقاومت استاد عطاء محمد نور مواجه گردید.آقای نور رسما از وزارت داخله فغانستان خواسته است که در شرایط حساس کنونی نسبت به تبدیلی مسئولان امنیتی خدمتگزار و متعهد که هیچ اتهام مادی و حقوقی متوجه آنها نیست پرهیز کند و با این بر طرفی ها زمینه را برای ایجاد نا امنی در صفحات شمال کشور مساعد نسازد.

والی بلخ نسبت به پیامدهای چنین تبدیلی ها ابراز نگرانی کرده و آن را در تعارض با قانونی دانسته است که صلاحیت های رییس جمهور در جریان کمپاین انتخاباتی را محدود می سازد.

• گفته می شود که در آستانه نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری آقای کرزی نه تنها از امکانات و ماموران دولت برای پیشبرد برنامه های انتخاباتی خود استفاده می کند بلکه یک سلسله تبدیلی ها را نیز در سطح ماموران امنیتی و اداری در سراسر کشور روی دست گرفته است.

حمایت های از داکترعبدالله عبدالله ادامه ...



[illegible]

سازمان متخصصان و توسعه

[illegible]

مجلس [illegible] عبدالله [illegible] «افغانستان در حال [illegible] به سوی بحران در حرکت است و دولت فعلی قادر به جلوگیری آن نیست».

حزب اعتدال ملی

همزمان با فرارسیدن میلاد با سعادت امیرمومنان حضرت علی (ع) همایش بزرگی از جانب نمایندگان حزب اعتدال افغانستان به منظور حمایت از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله دوشنبه ۱۵ سرطان در تالار [illegible] گردید.

سید هادی بلخی: عضو هیات حزب اعتدال افغانستان در شمال کشور به نمایندگی از سایر نمایندگان این حزب ضمن اعلام موضع سیاسی حزبش در حمایت از داکتر عبدالله یاد آور شد که موضوع انتخابات در کشور یک مسالهٔ مهم بوده و امید است به خوبی بتوانیم از این فرصت استفاده نماییم.

[illegible] داکتر عبدالله [illegible] عدالت [illegible] مقاومت و [illegible] افغانستان [illegible] هیچ وجه [illegible] حکومت [illegible] نمی تواند [illegible] منافع [illegible] اهمیت بشمرد.

همایش زنان در تخار

[illegible] هزار زن طی گردهمایی در تخار از نامزدی داکتر عبدالله حمایت کردند. این همایش به تاریخ ۱۳ سرطان در هوتل [illegible] برگزار گردید. نمایندگان زنان این ولایت در [illegible] داکتر عبدالله را بهترین گزینه برای [illegible] سیاسی [illegible] کشور دانسته و حمایت خود را از وی اعلام کردند.

قاضی عبد الباری: رییس دفتر ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله در تخار و مولوی علام [illegible] زاده از دیگر سخنرانان این گردهم [illegible] بودند که به برشمری ویژگی های فکری و سیاسی داکترعبد الله پرداختند. خانم بصیره سلطانی: مسوول امور زنان ولایت تخار نیز حمایت زنان این ولایت را از داکتر عبدالله اعلام کرد

ولایت کندز

بتاریخ ۱۵ برج سرطان سال جاری دفتر انتخاباتی کندز از طریق یک جلسه بزرگ با اشتراک تعدادی [illegible] دفتر [illegible] عبدالله [illegible] معرفی نمودند.

در ولایت [illegible] حمایت از داکتر عبدالله [illegible] انتخاباتی داکتر عبدالله [illegible] مورخ ۱۵ برج سرطان [illegible] دقتر [illegible] و ۵۰ تن [illegible] متنفذین قوم در دفتر مرکزی [illegible] این ولایت برگزار نمودند که [illegible] مقصد از این جلسه [illegible] برگزاری محافل و گردهمایی های بزرگ درسطح این ولایت [illegible]

فراه

دفترکمپاین انتخاباتی داکتر عبدالله در ولایت فراه بتاریخ ۱۶ برج سرطان سال جاری [illegible] اشتراک ۱۸۰۰ تن [illegible] علما، روحانیون، متنفذین قوم و نماینده گان ولسوالی ها در مرکز این ولایت افتتاح گردید.

بدخشان

بتاریخ ۱۳۸۸/۰۴/۱۵ در شهر فیض اباد ولایت بدخشان یک همایش بزرگ با اشتراک ده ها تن از نماینده گان مردم و شورای سرتاسری علمای بدخشان برگزار شده بود، این همایش برای ۲ ساعت ادامه یافت و دران تمام نماینده گان مردم و شورای علما حمایت و پشتیبانی شانرا از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله اعلان نمودند.

سمنگان

روز دوشنبه مورخ ۱۵ برج [illegible] همایش بزرگ [illegible] ولایت [illegible] که درین همایش [illegible] ۱۵۰۰ [illegible] علما و روحانیون [illegible]

بلخ

بتاریخ ۱۵ برج سرطان [illegible] گردهمایی [illegible] هوتل [illegible] گردهمایی جمع [illegible] حرکت اسلامی [illegible] علما و [illegible] داکترعبدالله در انتخابات ریاست جمهوری اعلان حمایت نمودند.

سرپل

[illegible] ولسوالی [illegible] ولایت سرپل یک همایش بزرگ بتاریخ ۱۵ برج سرطان برگزار شده بود که درین همایش بزرگ بیش از ۳۰۰۰ تن از احزاب مختلف (احزاب اقتدار ملی، حزب اسلامی و جمعیت اسلامی)، نماینده گان مردم، علما و روحانیون اشتراک ورزیده بودند که [illegible] حکومت [illegible] بودند و از نامزدی داکتر عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان اعلان حمایت نمودند.

بادغیس

بتاریخ ۱۵ برج سرطان یک همایش بزرگ از ساعت ۸ الی ۱۲ صبح با اشتراک ۲۰۰۰ نفر در مرکز ولسوالی اب کمری ولایت بادغیس برگزار شده بود. این محفل و همایش بر اساس تقاضای مردم، [illegible]

سروبی

[illegible]

زنان حزب اقتدار ملی در بلخ

[illegible]

چنداول کابل

مردم چنداول ولایت کابل روز چهارشنبه (۱۷) سرطان طی یک گرد همایی بزرگ حمایت شان را از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله اعلام داشتند در این گرد همایی که شخصیت ها، علما، دانشجویان و متنفذان منطقه گرد هم آمده بودند از برنامه های داکتر عبدالله استقبال نمودند. عبدالواحد فرحنی، خانم فریبا و خانم مریم احمدی یکی از نامزدان شورای ولایتی کابل، از سخنرانان این محفل بودند که با اشاره به برنامه های داکتر عبدالله اظهار داشتند که داکتر عبدالله برای نجات کشور از این همه بحران برنامه هایی را روی دست گرفته که در صورت عملی شدن آن در زندگی مردم تغیر مثبت و چشم گیر رونما خواهد شد.

په هلمند کې د خنجر په نامه

لامله د ولس هېواد د څه د پاسه یو درځن ولسوالیو د طالبانو په ولقه کې د پریوتلو مشری د تاکنو مشروعیت هم له سوال لاندې راوستی وو. په عملیاتو باندې د یوې اونۍ په تیریدو سره که څه هم امریکایي ځواکونه د ګرمۍ له شدت سره د مخ کیدو او هم د دوې د انګېرنې له مخې چې د افغاني پوځیانو شمیره ورسره کمه ده او لامله یې د سیمې د خلکو سره په تفاهم کې له ستونزو سره مخ کیږي. یوازې د خانشین ولسوالۍ -بې له جګړه- په بشپړه توګه د طالبانو د ولقې څخه په خلاصولو کې بریالی شوی دي خو د دفاع وزارت د ویاند "عظیمي" د وینا له مخې وایي چې د مخالفینو په شاتمبولو کې یې غټې بریالیتوبونه لاسته راوړي دي او د سه شنبې ورځې د یو راپور له مخې ویلې کیږي چې د هلمند والي هم آزاد کړای شوو سیموته ورغلی ؤ او د خانشین په ولسوالۍ کې یې د افغانستان دولتي بیرغ هسک کړ او خلکوته یې وعده ورکړه چې مونږ به تاسې بې سرنوشته نه پریږدو او ډېر زر به آزادو شوو سیمو او لسوالیو ته ولسوالان او د امنیې قوماندانان ولیږو. دا تصریحات په داسې حال کې کیږي چې د دوشنبې د ورځې د څینو چاپي رسنیو د راپور له مخې د هلمند ولایت یو شمیر علماؤ، سپین ږیرو او قومي مشرانو د امریکایي پوځیانو سره د یو دیوال لاندې د جرګې مهال سختې تندې څرګندونې کړیدي او د امریکایي پوځونو پرخلاف د خلکو د کرکې او نفرت څرګندوي کوي. د ملا زین الدین او حاجي بلوچ ویناګانې یوې رسنۍ راخستې چې امریکایي پوځیانو ته یې کړي دوې وایې چې که ستونزې را حل نکړې مونږ به هم دې ته اړ شو چې غرونو ته وخیژو او ستاسو پرخلاف جګړه کې شریک شو او هم وایې چې تاسو فکر کوی چې ګویا زمونږ د امنیت لپاره راغلي یې خو تاسو زمونږ څخه خپل آرام ژوند واخیسته او د پنجشنبې پورې د راپورونو له مخې په زرګونو خلکو له سیمو څخه کډې اخیستې او کندهار ته په کوچیدو مجبور شوي دي؛ که څه هم په سیمه کې د امریکایي سرتیرو مشر "مایك مولن" او هم په هلمند کې د روانو عملیاتو مشر برید جنرال "لارنس نیکولس" خلکوته د ډاډ ورکولو په منظور په خپلو څرګندونو کې ویلي دي چې د امریکا د نوې استراتیژۍ له تطبیق څخه خوښ یو او د عسکرو د شمیرې په اړه پیشنهادونه منلی شي، په داسې حال کې چې امریکا لااوس هم د نوو نورو زرګونو عسکرو د رالیږلو نغمه زمزمه کوي خو نیکولسن وایي چې د سیمې اوسیدونکي افغانان دې دغه عملیات په خپله ګټه وګڼي او هم وایي چې دوې له عملیاتو څخه مخه وخت په وخت له خلکو سره جرګې جوړوي خو واقعیتونه دا هم ښایې چې د خلکو له امریکائیانو څخه د کرکې لامله هیڅوک هم په خپلو دیرو او حجرو کې د امریکایانو سره ناستې ته آماده ندي او د لارې په سر د دیوالو د سیورو لاندې ورسره کیښني او که کلینک ته په موټر سایکل سواره لکه چې یو ځل دوه ښځې په موټر سایکلونو سورې وې او کلینک ته روانې وې هم امریکایانو ودرولې او د تالاشۍ حکم یې ورکړ.

دا چې په دې جګړو کې تر اوسه څومره تلفات د دولت مخالفو طالبانو ته اښتي، په دې هکله ښایې دقیقې شمېرې څرګندول سخته وي خو له کومې ورځې چې عملیات پیل شوی نو روانه اونۍ د امریکایي پوځونو لپاره د تلفاتو له مخې ډیره سخته او ریکاډ اونۍ وه څکه په همدې اونۍ کې په کندز ولایت کې د سړک د غاړې د یو بم په چاودنه کې څلور امریکایان او هم دوه تنه په قندهار کې او یو له مخکې څخه ټپي شوي امریکایي خپل ژوند له لاسه وکړ چې په دې ترتیب په روانه اونۍ کې یوه ورځ د اتو امریکایانو د وژل کیدو شاهده وه او د تېرې یکشنبې په ورځ دوه تنه انګلیسي سرتیرې د یو ریموټ کنټرول ماین په نتیجه کې او هم د هلمند په لشکرګاه کې د یوې انتحارې حملې په نتیجه کې یو تن د امنیتي خصوصي کمپنۍ وژل شوی او د ۸ عرادې موټرې ویجاړې شوې وي.

دا چې امریکایي پوځونه به وکولای شي چې دغه سیمې له طالبانو څخه پاکې کړي د طالبانو لخوا د مخدره توکو د قاچاق مرکزونه ختم او خاصتاً د ولسمشرۍ ټاکنو ته د کارتونو د ویشلو پروسه پرمخ بوتللی شي او کنه؟

نو ترکومه چې د ټاکنو په هکله د هدف خبره ده که ټاکنې او د هغو لپاره کارتونه ونه ویشل شي هم. نو نړیوالوته خو به د ټاکنو حقانیت او شفافیت په لړ کې دا څرګنده کړای شي چې د دغه سیمو خلکو په ټاکنو کې برخه واخسته او شرایط یې برابر شو او د دوهم هدف په لړ کې که هر څومره له طالبانو څخه سیمې آزادې کړای شي خو چې ترڅو هلته ولس د ستونزو د هوارې لپاره د آب دی، او عامه ګټو پروژې پیل نشي خلک اعتماد نکوي نو څکه اړینه ده چې د خنجر د کارولو پرځای د خلکو زړونه خپل کړای شي، خلکوته کارونه پیدا شي او عام ګټې پروژې آغاز شي څکه چې یوازې عملیات ترسره کول نور هم د مخالفینو صفونه پیاوړی کوي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ شانزدهم ۲۰ سرطان ۱۳۸۸ ۱۸ - رجب المرجب ۱٤۳۰ - 011 July 2009

حمایت ها از داکتر عبدالله عبدالله ادامه دارد



نهاد ملی مدنی جوانان افغانستان

هفتهٔ گذشته نهاد ملی مدنی جوانان افغانستان طی یک گردهمایی بزرگ در کابل از داکتر عبدالله عبدالله حمایت نمودند.

در این همایش که صدها تن از جوانان دانشجو و فعال در عرصه های اجتماعی و سیاسی شرکت کرده بودند، داکتر عبدالله را کاندیدای اصلح و مناسب جهت در دست گرفتن سکان رهبری کشور دانستند و تاکید کردند که رأی به داکتر عبدالله، تضمین کنندهٔ صلح و ترقی و پیشرفت آینده کشور است.

در این همایش همچنین محی الدین مهدی پیام داکتر عبدالله را به خوانش گرفت که در بخشی از آن آمده بود، داکتر عبدالله از شما مردم و در کنار شما است. به گفتهٔ داکتر عبدالله، مردم نباید باورکنند که رییس جمهور از قبل تعیین شده است. این رای مردم است که رییس جمهور آیندهٔ کشور را تعیین می کند.

حزب اقتدار ملی در میدان وردک

صدها تن از هواداران حزب اقتدار ملی در ولایت میدان وردک، هفته گذشته حمایت شان را از داکتر عبدالله اعلام کردند.

فاضل دره صوفی: عضو ارشد این حزب با حضور در این همایش مردمی و ایراد سخنرانی، شرایط کنونی در پیکارهای انتخاباتی را سرنوشت ساز خوانده، گفت: را ی به عبدالله رای به خود مردم است.

مجاهد و همسنگر بودن داکتر عبدالله با شهید کاظمی، طرح و برنامه های خوب داکتر عبدالله در برگرداندن قدرت به مردم با انتخابی ساختن والی ها، شهردارها و ولسوال ها، دادن قدرت به پارلمان با آوردن نظام صدارتی و نیز بازگرداندن ارزش های جهاد و مجاهدین و رفع ظلم، تبعیض و نابرابری ها به گفتهٔ فاضل دره صوفی از جمله دلایلی است که حزب اقتدار ملی از وی حمایت می کند

رضایی نمایندهٔ وردک در مجلس نمایندگان

عبدالرضا رضایی؛ نمایندهٔ مردم میدان وردک در مجلس نمایندگان و هوادارانش شنبه (۱۳ سرطان) طی یک گردهمایی باشکوه در کابل از داکتر عبدالله عبدالله حمایت کردند.

در این گردهمآیی که بیش از چندین هزار نفر اعم از علما، دانشجویان، متنفذین، بزرگان اقوام و مسوولان نهادهای گوناگون شرکت کرده بودند، آقای رضایی با ادامه درص ۷

خواب های آشفته به جای برنامه های کاری

عبدالعلی کوهی استاددانشگاه کابل

حکومت موجود، ظرف بیشتر از هفت سال فقط به حدیث خواب مشغول بوده است، به سخن دیگر سال های سعی و تلاش، برنامه و بازسازی به بی کفایتی های میان تهی سپری شده است و نمی توان آن ها را به عنوان دست آوردهای کلان و قابل قبول برای مردم معرفی کرد.

یکی دیگر از دلایل ناکامی، فساد وپوسیدگی نظام های سیاسی افغانستان، در دهه های اخیر و بیشتر از آن موجودیت دولت های خودکامه، زبون و تحت الحمایه بوده است که میراث ناامیمون این حاکمیت ها را مردم به سختی تحمل نموده اند.

برتراندراسل فیلسوف و نویسنده معاصرانگلیس به این باوراست: دولت هایی که به حمایت وپشتیبانی خارجی ها، روی کار آمده اند، فاقد حمایت وپشتبانی مردم می باشند، زیرا چنین زعامت ها بیشترینه به دنبال منافع حامیان خویش اند، تا منافع ملی، درافغانستان طوری که دیده می شود،



برای عناصرملی کمتر مجال تفکر داده شده است، چه رسد به زعامت و حکومت داری. درصورتی که افغانستان تنها به وسیله حمایت مردم و ارادهٔ سالم شهروندان آن در تعیین زعامت رهبران کشور می تواند پیروز گردد.

امروز مردم افغانستان طمع تلخ خارجی ها را در پاره یی از امور سیاسی کشور تحت هر نام و عنوان تجربه کرده اند، و اکنون می خواهند به طور مستقل در مورد زعامت کشورشان تصمیم بگیرند، طوری که دیده می شود طی ماه های اخیر آقای کرزی از دوستان خارجی خود هراز گاهی گلایه سر می دهد و خود را مرد آزاد و مصمم و آهنین معرفی می کند و می خواهد با چنین شعارها مردم بیچاره ومظلوم ما را یک بار دیگر قربانی هوس های قدرت طلبانه خود ونزدیکان خود سازد. زمانی این حکومت نزدیکی ووفاداری به کشورهای خارجی، به ویژه امریکا و اروپا را ضمانت برای اطمینان و مشروعیت نظام می انگاشت اما امروز وقتی اقبال سیاسی موصوف با نمایندگان برخی از این کشورها به تبادل آرا می پردازند این کار را مداخلهٔ آشکار در امور افغانستان می خواند و به کشورها هشدار می دهد که از ادامه چنین کارها بپرهیزند. در صورتی که چنین ملاقات ها و تبادل آراء در خصوص کار انتخاباتی، میان وی و خارجی ها صورت گیرد به آن ها یک نوع دیپلوماسی فعال تعبیر خواهد نمود، نه مداخله در امورانتخابات آنچه که درکار اشتهار و تبلیغات آقای کرزی مورد ادامه درص ۶

د وجدان مرگ

ښاند

یوه ورځپانه چې ځانته "خپلواکه ملي ورځپانه" وايي په تیره هفته کې د دولت د مشرپه کته دیرې، مقالې او سرمقالې نشرې کړې دي!

له مخکې نه هم خلک پوهیدل چې دا تش په نامه خپلواکه ورځپانه د رښتیو په منځ کې د تولواک ولسمشر پنځمه لیکه ده او د اطلاعاتو او فرهنګ د وزارت له لیاري تمویل او توجیهه کیږي

د تعجب خبره خو دا ده چې یادې شوې ورځپانه غواړي داسې وښیي چې بهرنیان د ولسمشری له ځینې نوم ندانو سره مرسته کوي او زموږ تولواک ولسمشر یوه ملي څیره ده او د بهرنیانو له مرستې نه پرته واک ته رسیدلې او دا واک به یې دبهرنیانو له مرستې پرته بغیر دوام مومي!

دافغانستان خلک او دنیاوال په دې پوهیږي چې اوسنی نظام او دهغه مشر دبهرنیانو په مرسته راوړل شوی او دا تیراته کاله دهغوی پراوړو بارو.

نوکه چیري دا خبره رښتیا وي چې بهرنیان نه غواړي دا حکومت او دهغه مشرپاهم پاتې شي، هغه حکومت چې نه یواځې دافغانستان دخلکو بلکې د بهرنیانو له خوا دفاسد حکومت. دنشه ایزو توکو حکومت. په اداری فساد ککړحکومت او ناکام او بې کفایته حکومت په نومونو او لقبونو ویاړمن دی نو دا دحراتتیا خبره نه ده!

بلکې دا په ډاګه کوي چې نه یواځې دافغانستان خلک له دې حکومت نه په تنګ دي بلکې نړیوالې ټولنې هم ددې حکومت او دهغه دتولواک مشرله ملاتړنه ستړي شوي او په پایله کې لاس په سر شوي دي!

نوکه چیري بهرنیانو د یو بل نوماند نه ملاتړ وکړي او هغه واک ته ورسیږي نودا د هیواد د ملي ګټو پرخلاف کار ده اوداچې اوسني تولواک ولسمشر پوره اته کاله د بهرنیانو په ملاتړحکومت کړې، نو دا دهیواد له ملي ګټو سره پوره سمون لري؟! ژوندي وجدان لرونکي به په دې اړه څرنګه قضاوت ولري؟!

که چیري ځینې بهرنۍ رسنۍ دافغان دولت پرخلاف داسې لیکنې وکړي چې د موجوده تولواک مشر د انډیوالانو د کورنۍ دغړي د خوشې کولو په اړه وي داسې کسان چې د نشه ایزو توکو په جرم اعتراف کړی وي او محکمې هم ورته سزا اورولې وي ....نو دا دتولواک مشر پرخلاف کمپاین ګڼل کیږي!

او دا چې مجرمان د محکمې په قطعي حکم په بند محکوم شوي وي او ولسمشر د خپل کمپاین د مشرسره په کورنۍ تړاو هغوی بخښي نو دا د وجدان مرګ نه دی!

درسته ده چې د اساسي قانون له مخې ولسمشر واک لري چې دمجرمینو جزا کم او یا معاف کړي. مګر دنشه ایزو توکو مجرمین دتعامل له مخې همیشه مستثنی وي!